



## تأملی بر عوامل و مخاطرات افزایش نرخ رشد نقدینگی و تورم در کشور

# مرز هشدار

»سین صبوری

ساختار نیروی کار، عوامل مؤثر در پایداری تورم هستند. از بعد تقاضا نیز تورم می‌تواند از فشارهای تقاضای ایجاد شده از ناحیه بخشهای (پولی، دولت و خارجی) ناشی شود.

این مجموعه عوامل این واقعت را منعکس می‌کند که اولاً تورم پدیده‌ای نامطلوب و نامیمون است که می‌تواند در بلند مدت صدمات جدی بر بیکره اقتصاد وارد آورد؛ ثانیاً تورم، بعطوب بسیاری از عوامل ساختاری در اقتصاد است که شناسایی و مبارزه با آنرا دشوار می‌سازد. به علاوه، از آنجا که تورم و رشد اقتصادی در کوتاه مدت همسو حرکت می‌کنند، مبارزه با تورم ممکن است در کوتاه مدت زیان‌هایی به شکل کند شدن فرایند رشد اقتصادی در پی داشته باشد؛ لیکن در میان مدت و بلند مدت، کنترل تورم موجب بهبود رشد اقتصادی و افزایش اشتغال خواهد شد. از این رو سیاست‌گذار پولی باید درک صحیحی از آثار سیاست‌های ضد تورمی داشته باشد و بتواند با پیش‌بینی‌های دقیق از تورم و رشد اقتصادی، به تعدیل ابزارهای پولی خود بپردازد.

از لحاظ شکل‌گیری، استمرار و میزان تورم در اقتصاد ایران می‌توان سه دوره را از هم تفکیک کرد؛

و نیازمند هماهنگی و تعامل جدی و منطقی میان نهاد مزبور با دیگر نهادهای سیاست‌گذاری است. هماهنگی سیاست‌های پولی، مالی و ارزی به عنوان سیاست‌های مدیریت تقاضای کل سازگار با نیازهای واقعی اقتصاد، مستلزم درک صحیح از میزان تراحم نهادها و نحوه مشارکت آن‌ها در دستیابی به هدف‌های مشترک است. ثبات قیمت‌ها با تورم‌های تک رقمی و در سطوح پایین و باثبات عجین است. از این رو درک صحیح مفهوم تورم و عوامل اثرگذار بر آن از ضروریات دستیابی به ثبات قیمت‌ها محسوب می‌شود. تورم، متغیری است که از برآیند نیروهای موجود در سمت عرضه و تقاضای کل اقتصاد حاصل می‌شود. به طور کلی مازاد تقاضای کل نسبت به عرضه، موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود، اما به افزایش سطح قیمت‌ها تنها در صورتی که مداوم و خودافزا و دارای حافظه طولانی مدت باشد، تورم اطلاق می‌شود. تورم به شرایط پایدار در بروز عدم تعادل‌های اقتصاد کلان بر می‌گردد. عدم تعادل‌های پایدار دارای اجزای ساختاری است که در بلند مدت شکل می‌گیرند. از بعد عرضه، ساختار هزینه‌ای بنگاه‌ها، پایین بودن بهره‌وری کل اقتصاد، درجه وابستگی به واردات و

در چند ماه گذشته در جلسه‌ها و سمینارهای مختلف اقتصادی، اظهارات گوناگونی از سوی دولتمردان، در باب تورم و علل ایجاد آن در کشور مطرح شده است. یکی از مهمترین این اظهارنظرها سخنان طهماسب مظاهری، رئیس کل بانک مرکزی، در پنجمین همایش اقتصاد اسلامی در دانشگاه تربیت مدرس و در ارتباط با علل ایجاد تورم در کشور و راه‌های مبارزه با آن بود. وی در پاسخ به این سوال که برای جلوگیری از آثار تورمی ۴۰ درصد رشد نقدینگی چه می‌کنید، گفت: «نرخ رشد نقدینگی در تیر و مرداد ۸۶ به مرز هشدار دهنده رسیده است، باید آن را کنترل کرد. دولت، بخش خصوصی و همه کسانی که به اقتصاد کشور علاقه دارند، باید جلوی افزایش رشد نقدینگی را بگیرند؛ زیرا رشد نقدینگی بیش از نرخ رشد اقتصادی امکان بالقوه‌ای برای ایجاد تورم دارد و با تاخیر زمانی به افزایش قیمت‌ها می‌انجامد. نباید اجازه دهیم رشد نقدینگی سطح قیمت‌ها را افزایش دهد و به تورم

منجر شود. از مردم می‌خواهیم اولاً عواملی را که موجب رشد نقدینگی شده است، کنترل کنند؛ دوم اینکه نقدینگی جامعه را به سمت فعالیت‌های تولیدی سوق دهند».

این سخنان زمینه تحلیلی مختصر از ارتباط میان تورم و نقدینگی در کشور و نیز عوامل افزایش دهنده نقدینگی، تورم و مخاطرات آن‌ها را در این نوشتار پدید آورده است. در عین حال به دو سوال هم پاسخ داده می‌شود:

اول، علل اصلی ایجاد تورم و افزایش نقدینگی طی سال‌های اخیر در کشور چه بوده است؟ دوم، وظیفه کنترل نقدینگی و کاهش تورم در کشور، بر عهده چه نهادی است؟

ثبات قیمت‌ها، شرط لازم برای دستیابی به سطوح پایدار رشد اقتصادی است. دستیابی به تورم پایین و باثبات، مستلزم توانایی استفاده از ابزارهای مؤثر و کارا در امر سیاست‌گذاری پولی است. اجرای صحیح سیاست‌گذاری پولی و به‌کارگیری هدفمند ابزارهای پولی نیز مستلزم شناسایی عوامل اصلی اثرگذار بر تورم است. دستیابی به هدف فوق، نسخه‌ای از قبل پیچیده برای بانک مرکزی نیست

(ارقام به میلیارد ریال)

سال	حجم پول	سرعت گردش پول	سرعت گردش نقدینگی	شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی	شاخص ضمن تولید ناخالص داخلی	پایه پولی	نرخ تورم
۱۳۷۰	۱۳۳۲۰۸	۲٫۶	۲۸۶۸۴	۱٫۷	٪۲۰	۱۳۳۱۷٫۹	۲۰٫۷
۱۳۷۱	۱۳۳۶۸٫۶	۲٫۹	۲۵۸۶۶	۱٫۸	٪۲۵	۱۳۳۶۶٫۷	۲۲٫۴
۱۳۷۲	۱۳۳۱۲٫۷	۲٫۲	۴۸۱۳۵٫۲	۱٫۹۲۲	٪۳۶	۱۸۰۰۷٫۲	۲۲٫۹
۱۳۷۳	۲۰۳۳۱٫۸	۲٫۲۵	۶۸۱۳۲٫۹	۲٫۰۹	٪۵۱	۱۳۳۳۵٫۲	۲۵٫۲
۱۳۷۴	۲۰۹۶۲٫۲	۲٫۲۱	۸۵۰۷۲٫۲	۲٫۱۲۵	٪۷۰	۱۳۳۰۱٫۲	۲۹٫۴
۱۳۷۵	۵۶۲۷۱٫۹	۳٫۱۹	۱۱۶۵۸۲٫۶	۲٫۰۲	٪۸۸	۱۳۳۲۲٫۲	۲۲٫۲
۱۳۷۶	۶۳۲۰۲٫۷	۲٫۳۲	۱۳۲۲۸۶٫۶	۲٫۰۷	۱۰۰	۵۲۵۱۳٫۵	۱۷٫۲
۱۳۷۷	۷۲۸۷۲٫۲	۲٫۳۳	۱۶۰۲۰۱٫۵	۱٫۷۲	۱۰۰	۶۱۹۶۶٫۶	۱۸٫۱
۱۳۷۸	۸۶۷۵۱	۲٫۹	۱۹۲۹۸۱٫۲	۲٫۲۱	۱٫۲۲	۷۱۸۲۲٫۶	۲۰٫۱
۱۳۷۹	۱۱۳۳۲۰٫۵	۲٫۹۶	۲۳۹۱۱۰٫۷	۲٫۳۸	۱٫۸۰	۸۳۳۸۰٫۱	۱۲٫۶
۱۳۸۰	۱۲۳۹۵۶٫۷	۲٫۶۸	۳۲۰۷۵۳٫۲	۲٫۰۸۶	۲٫۰۱	۹۷۱۸۲٫۸	۱۱٫۴
۱۳۸۱	۱۸۲۶۵۲٫۷	۲٫۸۹	۴۱۷۵۲۲	۲٫۱۳	۲٫۵۸	۱۱۹۶۱۵٫۹	۱۵٫۸
۱۳۸۲	۲۱۷۲۵۶٫۸	۵٫۰۲	۵۲۶۵۶۶٫۲	۲٫۰۸	۲٫۸۹	۱۳۳۲۲۳٫۲	۱۵٫۶
۱۳۸۳	۲۵۲۳۲۵٫۲	۵٫۵۷	۶۸۵۶۷۵٫۵	۲٫۰۵	۲٫۳۸	۱۵۱۲۰۰	۱۵٫۲
۱۳۸۴	۳۱۷۹۱۹٫۲		۹۲۱۰۱۹٫۲			۳۳۰۵۴۱٫۴	۱۲٫۱
۱۳۸۵	۴۱۲۵۳۲٫۸		۱۲۸۲۱۹۹٫۲				۱۲٫۶

(ارقام به میلیارد ریال)

سال	درصد تغییر حجم پول	درصد تغییر سرعت گردش پول	درصد تغییر سرعت گردش نقدینگی	نرخ رشد ضریب تکثیر پولی	نرخ رشد نقدینگی	نرخ رشد پایه پولی	سرعت گردش پول
۱۳۷۰	۲۱٫۹	۱۲٫۵	۶٫۲	۵٫۷۱	۲۲٫۶	۱۴٫۹۱	۲٫۶
۱۳۷۱	۲۰	۸٫۳	۵٫۹	۱٫۸	۲۵٫۳	۱۷٫۲۵	۲٫۹
۱۳۷۲	۲۶٫۹	۷٫۷	۷٫۷۸	۱۰٫۶۲	۳۲٫۲	۲۲٫۳۸	۲٫۲
۱۳۷۳	۲۵٫۸	۱٫۲	۷٫۸	۱٫۶	۲۸٫۵	۲۲٫۹	۲٫۲۵
۱۳۷۴	۳۳٫۶	۳٫۵	۱٫۶۹	-۶٫۳	۳۷٫۵	۲۳٫۷	۲٫۲۱
۱۳۷۵	۳۲٫۴	-۲٫۷۷	-۲٫۳۲	۰	۲۷	۲۷٫۶	۲٫۱۹
۱۳۷۶	۱۲٫۵	۵٫۳۳	۲٫۳۷	٪۸۴	۱۵٫۲	۱۰٫۹	۲٫۳۲
۱۳۷۷	۱۸٫۱	۲٫۵	-۲٫۸	۰	۱۹٫۲	۱۸	۲٫۳۳
۱۳۷۸	۱۶	۱۵٫۸	۱۲٫۲	-٪۸۲	۲۰٫۱	۱۶	۲٫۹
۱۳۷۹	۲۱٫۹	۳	۵٫۲	۱۲٫۳۲	۲۹٫۲	۱۷٫۵	۲٫۹۶
۱۳۸۰	۳۲٫۹۲	-۵٫۶۲	-۸٫۵۱	۱۱٫۷۶	۲۸٫۸	۱۵٫۱	۲٫۶۸
۱۳۸۱	۳۲٫۸	۴٫۳۹	۲٫۸۹	۶٫۱۲	۳۰٫۱	۲۲٫۱	۲٫۸۹
۱۳۸۲	۱۹	۳	-۲٫۸	۷٫۳۴	۲۶٫۱۲	۷٫۶	۵٫۰۲
۱۳۸۳	۱۶٫۲	-	-۹٫۲	۲٫۵۲	۳۰٫۲	۱۷٫۵	۵٫۵۷
۱۳۸۴	۲۵٫۸				۳۳٫۳	۲۵٫۹	
۱۳۸۵	۲۰٫۴				۳۹٫۲		

منبع: خلاصه تحولات اقتصادی کشور، گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تحت تأثیر قرار می‌دهد، به کسری‌های بیشتر منجر می‌شود و چون هیچگونه ابزاری جز برداشت از حساب ذخیره ارزی و تبدیل کردن دلارهای نفتی به

لذا افزایش سرعت گردش پول به قیمت‌ها مجال افزایش را می‌دهد. در عین حال از آنجا که افزایش قیمت‌ها وضعیت بودجه دولت را به‌طور جدی

دیگر، کاهش در تقاضای سوداگری با افزایش عرضه جریان وجوه معاملاتی معادل است و این خود سرعت گردش نقدینگی را افزایش می‌دهد.

## جدول (۳) عوامل موثر در تغییر پایه پولی

۱۳۸۵		۱۳۸۴	
سهم از رشد (واحد درصد)	تغییر در مانده (میلیارد ریال)	سهم از رشد (واحد درصد)	تغییر در مانده (میلیارد ریال)
۵۰/۷	۱۱۱۷۶۶	۲۹/۱	۷۲۲۸۸
-۱۲/۴	-۲۷۲۶۷	-۳۷/۹	-۵۷۳۳۳
۸/۷	۱۹۰۹۰	۹/۵	۱۴۴۲۳
-۲۰/۲	-۴۴۳۸۱	۲۵/۱	۳۷۹۷۳
۲۶/۸	۵۹۲۰۷	۴۵/۹	۶۹۳۴۱

خالص دارایی های خارجی بانک مرکزی

خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی

مطالبات بانک مرکزی از بانک ها

خالص سایر اقلام

پایه پولی

منبع: بانک مرکزی ج.ا.ایران

پایه پولی به طور مستمر در حال افزایش است. بنابراین، افزایش پایه پولی نیز به مهم ترین عامل تأثیرگذار بر افزایش حجم نقدینگی کشور مبدل شده است.

(جدول ۳ و نمودار ۱)

در واقع، وابستگی زیاد منابع بودجه دولت به درآمدهای نفتی موجب شده است که افزایش دارایی های خارجی بانک مرکزی، که ناشی از مازاد عرضه نسبت به تقاضای مؤثر ارز در بازار داخلی است، بالاترین سهم را در رشد سه ساله پایه پولی داشته باشد.

اما به هر حال وقتی که این وضعیتها در اقتصاد رخ دهد دنباله روی و انفعال پولی بدیل به امری طبیعی می شود. البته دنباله روی پولی هم در طول سال های گذشته مشاهده شده است، ولی وجه غالب دنباله روی، مربوط به موقعیت های اضطراری است.

رشد حجم پول در جریان و نقدینگی، عمدتاً معلول افزایش مازادهای ارزی یا افزایش دارایی های ارزی و کسری بودجه دولت است. با افزایش شدید قیمت نفت در سال ۸۵ و ۸۶، درآمدهای نفتی دولت به شدت افزایش یافت. این در حالی است که متصدیان اقتصادی به جای اینکه ارزهای فراوان به دست آمده را به شکل صحیحی در اقتصاد به کار گیرند، به اثرات تورمی و رقابتی آن توجه داشته باشند و با برنامه ریزی صحیح زمینه مناسب تعدیل اجزاء اقتصاد نسبت به این وضعیت مناسب جدید را فراهم آورند، واردات را تسهیل کنند، به طوری که نرخ رشد واردات طی دو - سه سال اخیر سالانه به بیش از ۲۰ درصد رسیده است. در عین حال که کسری بودجه دولت در این سالها در حال افزایش بود، مازاد ارزی بانک مرکزی نیز به شدت افزایش

این موضوع، از ضعف بنیان های ساختاری اقتصاد و ناسازگاری و نسنجیدگی حکایت دارد؛ زیرا بخشی از این اضطرارهای ایجاد شده به خاطر ساختار بودجه ریزی و مالیات ستانی و ضعف بازارهای مالی است و بخشی از آن زاینده سیاست های بی ثبات کننده و تنش زا.

تحولات پولی سال های اخیر نشانگر سلطه بخش مالی بر سیاست های پولی، نوسانات شدید (با روند افزایشی) ضریب فزاینده و مخاطره های وارد بر سیاست های پولی از بابت روابط بانک مرکزی و بانک ها و تأثیرپذیری پایه پولی از عملکرد بودجه دولت است. هر چند از یک طرف، عدم استقراض مستقیم دولت از بانک مرکزی پدیده ای مثبت در تحولات پولی سال های اخیر تلقی و بدین ترتیب یکی از عناصر پرمخاطره در تدوین و اجرای سیاست های پولی در سال های اخیر تا حدودی برطرف شده است؛ لیکن با برداشت های دولت از حساب ذخیره ارزی و خرید ارز مازاد بر فروش توسط بانک مرکزی، جزء خالص دارایی های خارجی بانک مرکزی، به عنوان یکی از اجزای مهم

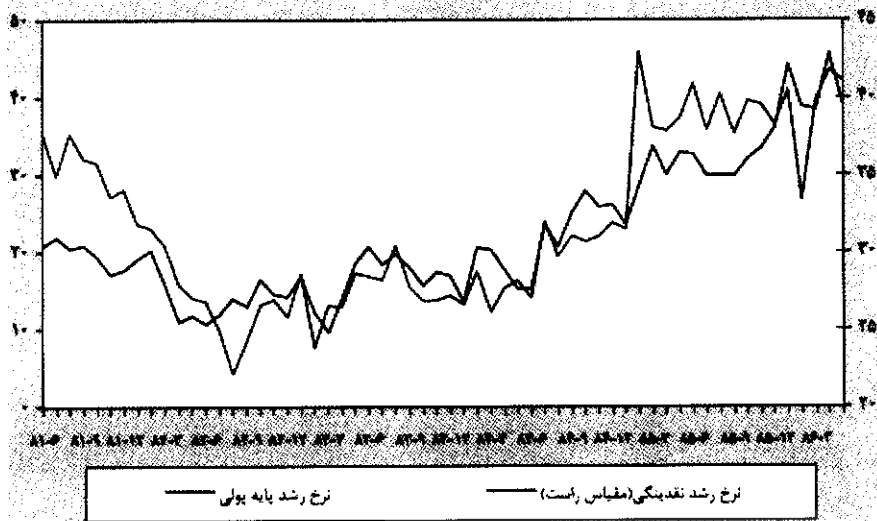
ریال برای تأمین کسری بودجه در دسترس نیست، بازارهای مالی مناسب وجود ندارند و نظام مالیاتی دارای ضعف است، لذا انبازه پول به ناچار از طریق پولی کردن منفعلانه کسری بودجه تغییر می کند و افزایش می یابد. در نتیجه زمینه تداوم افزایش قیمت ها فراهم می آید و سرعت گردش پول هم مجال می یابد تا اندازه ای به سمت وضعیت اولیه خود تعدیل شود.

(جدول شماره ۱ و ۲)

در کشور ما، در دوره هایی که درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام کاهش می یابد و لذا کاهش مخارج دولت هم عملی نیست، به خاطر نبود بازارهای مالی مناسب و اساساً عدم تطابق وضعیت مالی و درآمدی دولت با مقتضیات این بازارها، هیچ راهی برای تأمین کسری بودجه جز پولی کردن آن و استقراض از نظام بانکی وجود ندارد. یا زمانی که دولت بدون ایجاد ثبات و بدون ایجاد زمینه ها و مقدمات لازم دست به اصلاحات اقتصادی می زند و به جای اتخاذ متغیرهای حقیقی به عنوان محمول و مجرای اصلاحات، صرفاً به یک سری متغیرهای قیمتی توسل می جوید (طرح تثبیت قیمت ها) موجب تورم و بی ثباتی بیشتری می شود. در واقع، با وجود درآمدهای ریالی بیشتر، که ناشی از فروش نفت است، و نیز با وجود مالیات ستانی بیشتر و آزاد کردن بعضی قیمت های مربوط به کالاهای دولتی، خود بیشتر متضرر می شود و با کسری های بیشتری مواجه می گردد؛ به گونه ای که حتی برای تأمین حقوق پایان سال بخشی از کارمندان خود که از ناحیه تورم بیشترین آسیب را دیده اند، دچار کسری می شود. از همین رو به ناچار به پولی کردن کسری بودجه از طریق برداشت از حساب ذخیره ارزی و فروش آن به بانک مرکزی اقدام می کند.

باید پذیرفت که مردم علت انبساط های پولی و افزایش نرخ تورم در کشور نبوده اند که حالا بخواهند آن را کاهش دهند

نمودار (۱) رابطه بین نرخ رشد پایه پولی و نرخ رشد نقدینگی (درصد)



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ایران

است. این روند به نوبه نوبه خود، هم رابطه مبادله شهر و روستا را به هم می زند و هم توزیع درآمد را وخیم تر می کند. این ها همگی برای رشد پویای اقتصاد و اشتغال زایی مضر است.

نکته مهمتر اینکه رشد منفی سرعت گردش درآمدی پول، در شرایطی که سرعت در مقدار منطقی خود قرار داشته است به معنی تورم نهفته در اقتصاد است. از آنجا که به لحاظ فنی هیچ خط تمایزی میان وجوه معاملاتی و سوداگرانه وجود ندارد، هر لحظه ممکن است پول های انباشت شده در حوزه فعالیت های نامرتبط با تولید ناخالص داخلی به حوزه معاملات مربوط به این تولید چرخش کند و پتانسیل انباشت شده تورمی را به فعلیت درآورد. بنابراین می توان گفت که ایجاد ابداعات مالی و انتقال وجوه از حوزه های نامرتبط با تولید ناخالص داخلی و به تبع آن افزایش سرعت گردش پول، می تواند موجبات افزایش تورم در کشور را فراهم کند. این امر نیز یکی دیگر از مخاطراتی است که

این اساس، حقوق بگیران، کارگران و کارمندان، حتی کمتر از تورم افزایش دستمزد و حق الزحمه دریافت کرده اند. لذا معادل تورم و رشد تولید ناخالص داخلی، پول بیشتر در دست کارگران و کارمندان و صاحبان پول و سپرده و نیز بیکارانی که به کار مشغول شده اند قرار گرفته است. بقیه آن هم در دست کسان دیگری قرار گرفته است. این امر بدین معنی است که توزیع نابرابرتر در آمد به زیان حقوق بگیران و عناصر مولد است. پیامد شوم رشد این گونه نقدینگی این است که به خاطر سیلان نقدینگی های جدید در حوزه اموال غیرمنقول و دارایی های جوامع شهری، ثروت شهرنشینان نسبت به روستائیان افزایش یافته است. در نتیجه جریان مهاجرت از روستا به شهر تداوم یافته و تشدید شده، سبب روانه شدن بخش قابل ملاحظه ای از نقدینگی های در جریان به سمت فعالیت های نامولد و سوداگرانه در حوزه اقتصاد شهری هم و افزایش هزینه فرصت منابع در حوزه فعالیت های مولد شده

جدول (۴)

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
رشد نقدینگی	۲۹,۲	۳۳,۳	۳۰,۲	۲۶,۱	۳۰,۱	۲۸,۸	۲۹,۳
تورم	۱۲,۶	۱۲,۱	۱۵,۲	۱۸,۶	۱۵,۸	۱۱,۶	۱۲,۶
رشد اقتصادی	۵,۷	۵,۳	۲,۸	۶,۸	۷,۶	۳,۲	۵
سرعت درآمدی گردش پول	-۱۶,۸	-۱۱,۲	-۲,۷	-۶,۷	-۱۱,۷	-۱۱,۷	-۱۱,۷

منبع: بانک مرکزی ج.ا.ایران، گزارش های مختلف

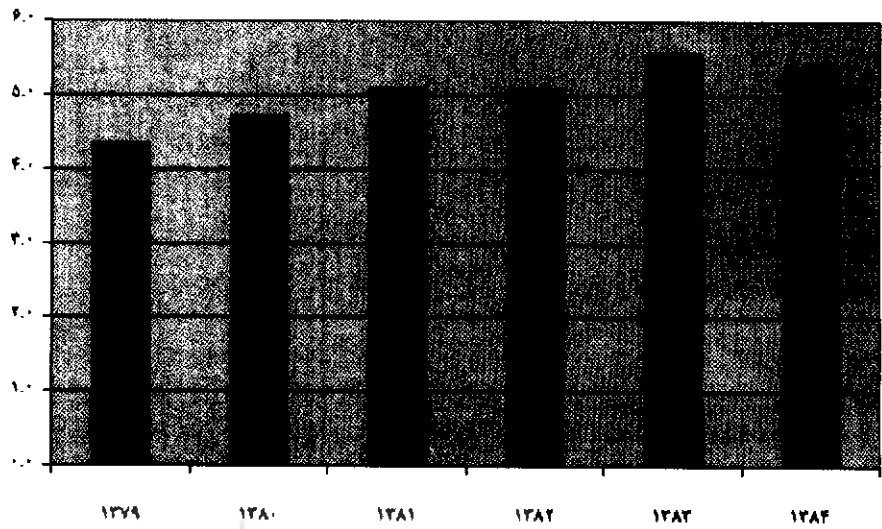
یافت و به مقدار پایه پولی افزود. به این ترتیب در کشور ما از یک طرف، واردات کالاهای خارجی تسهیل شد و از طرف دیگر، افزایش حجم پول در جریان از ناحیه افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی، قیمت های داخلی را بالا برد و رقابت پذیری کشور را به شدت کاهش داد. در نتیجه پدیده معروف بیماری هلندی در این دوره بروز کرد. اما متغیر دیگری که در تحلیل تورم و نقدینگی باید به آن توجه کرد، متغیر سرعت گردش پول است.

همچنان که می دانیم رابطه مقداری پول، یک رابطه مکانیکی حساسداری و در همه شرایط در اقتصاد برقرار است. در عین حال در اقتصاد ما به دلیل اینکه چند سالی است رشد نقدینگی بسیار بالا و از جمع نرخ تورم و رشد تولید ناخالص ملی حقیقی به طور قابل ملاحظه ای متفاوت و بیشتر است، باید رشد سرعت گردش پول منفی باشد. ولی تئوری های اقتصادی بر این باور استوارند که در شرایط تورمی پول به اصطلاح داغ می شود و سرعت گردش آن افزایش می یابد. اما در سال های اخیر یکی از اتفاقاتی که در اقتصاد ایران افتاده است این است که رشد سرعت درآمدی گردش پول در کشور منفی شده است (جدول ۳). این امر، یا به این خاطر است که حرکت و نقل و انتقال فیزیکی پول در جامعه کند شده است و یا اینکه نقل و انتقال و تحرک فیزیکی پول تغییر نکرده است، اما معاملات اقلام نامرتبط با تولید ناخالص داخلی، همچون اموال غیر منقول و مرتبط با فعالیت های سوداگرانه افزایش یافته و نیز معاملات متعدد و تکراری مربوط به تولید ناخالص داخلی زیاد شده است.

شرایط اقتصادی ما طی ده سال گذشته طوری بوده است که پول در اقتصاد ما نه تمایل به سرد شدن داشته و نه تمایل به داغ شدن. بنابراین سرعت فیزیکی و معاملاتی پول تغییر نکرده است، اما حوزه معاملات اموال غیر منقول و نامرتبط با ناخالص داخلی و معاملات تکراری مرتبط با آن افزایش یافته است. یعنی مقدار زیادی از نقدینگی انتشار یافته به سمت فعالیت های سوداگرانه و واسطه ای رفته است و مقدار مشخصی از آن هم صرف پوشش معاملات مربوط به تولید ناخالص داخلی شده است. لذا در مجموع سرعت درآمدی گردش پول، که ماهیت محاسباتی دارد، کاهش یافته است. یکی از پیامدهای این رخداد، رواج فعالیت های نامولد و سوداگرانه در اقتصاد است. گرانی و پرش قیمت مسکن یکی از نتایج این وضعیت است. بر



## نمودار (۲) سرعت گردش پول طی سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴



منبع: بانک مرکزی ج.ا.، گزارش های مختلف

اقتصاد ایران در آینده با آن رویه رو خواهد شد. در پایان، با بررسی مختصری که از عوامل و مخاطرات افزایش تورم و نقدینگی در کشور داشتیم می توان گفت:

طی سال های اخیر، تسلط سیاست های مالی دولت بر سیاست های پولی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر رشد نقدینگی و تورم در کشور به حساب می آید. کسری بودجه های مداوم دولت و عدم اصلاح نظام بودجه ریزی کشور، موجبات ایجاد کسری بودجه های عظیمی را فراهم کرده است. این امر نیز بر جزء دارایی های خارجی بانک مرکزی و در نهایت پایه پولی و نقدینگی تأثیر مثبت داشته است. سیاست های سمت عرضه ای هم که در جهت مقابله با تورم تجویز می شود می تواند موجب ارتقای بهره وری و تقویت بنیان های اقتصاد صنعتی، تقویت فرهنگ کار، اصلاح نظام مالیاتی و ... شود، نیازمند ثبات اقتصادی و سیاسی است. به بیان دیگر نمی توان در غیاب ثبات اقتصادی و سیاسی، سمت عرضه اقتصاد را بهبود بخشید.

انبساط پولی و رشد محدود پول یکی از شاخصه ها و یا ابزارهای ثبات اقتصادی هر کشور است. این مهم در برنامه های تعدیل ساختار هم ابزار محسوب می شود و هم هدف و هم شاخص ارزیابی عملکرد برنامه های اصلاحات اقتصادی. از سال ۱۳۶۸ به بعد که تنظیمات اقتصادی و تعدیل های ساختاری اقتصاد ما در چارچوب برنامه های توسعه پنج ساله آغاز و اجرا گردید، در برنامه های مذکور، نرخ های محدود رشد نقدینگی هدف قرار گرفت و تصویب شد، اما

هر ساله نرخ های عملکرد رشد نقدینگی از نرخ های مصوب و هدف بسیار بیشتر بوده است؛ به طوری که انباره نقدینگی هزار و ۶۵۰ میلیارد تومانی در سال ۱۳۶۸، به ۱۴۰ هزار میلیارد تومان در آخر تیرماه سال ۸۶ افزایش یافته است و طی این سال ها ۸۵ برابر شده است. همچنان که در دو سال اخیر از ۷۰ هزار میلیارد تومان به ۱۴۰ هزار میلیارد تومان، یعنی دو برابر، افزایش یافته است. دلایل این سیلان های نقدینگی عمدتاً به بی ثباتی پایه پولی و تا اندازه محدودی هم به بی ثباتی اجزاء ضریب فزاینده نقدینگی مربوط می شود. بی ثباتی های پایه پولی عمدتاً ناشی از افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی (ناشی از کسری های بودجه دولت)، افزایش بدهی بانک ها به بانک مرکزی (که در دو سال اخیر این جزء، به شدت افزایش یافته است) و انبساط پایه پولی ناشی از مابه التفاوت قیمت ارز مربوط به بدهی های خارجی، بوده است. بی ثباتی ضریب فزاینده تنها به کاهش متوسط نرخ های ذخیره قانونی سپرده های متعدد محدود بوده است.

علاوه بر افزایش تورم، یکی دیگر از پیامدهای رشد نقدینگی در سال های گذشته و جاری، تغییر در وضعیت توزیع درآمد میان صاحبان عوامل تولید و عوامل نامولد در اقتصاد است. برای مثال اگر در یک سال ۳۶ درصد رشد نقدینگی داشته باشیم و رشد تولید ناخالص ملی معادل ۵ درصد و نرخ تورم معادل ۱۱ درصد باشد، این بدان معناست که ۱۱ درصد رشد نقدینگی در اختیار حقوق بگیران، دستمزد بگیران و صاحبان نهاده ها که دریافتی آن ها

حداکثر با نرخ تورم تعدیل می شود قرار می گیرد. ۵ درصد افزایش ایجاد شده در نقدینگی هم به کسانی که قبلاً بیکار بوده، امسال به کار مشغول شده اند و رشد تولید ناخالص داخلی را رقم زده اند (در کنار سایر عوامل) تعلق می گیرد. ۲۰ درصد کل نقدینگی (از ۳۶ درصد رشد) در اختیار کسانی قرار می گیرد که حقوق بگیر نیستند و این ۲۰ درصد علاوه بر ۱۱ درصد مربوط به تورم است که در اختیار آنها نیز قرار گرفته است، یعنی با ثابت بودن شرایطی که در آخر دوره گذشته وجود داشته است معادل ۲۰ درصد انبار نقدینگی به صورت وجوه مختصه در اختیار عده ای قرار می گیرد که حقوق بگیر و سرمایه دار هم نیستند زیرا سودها هم حداکثر با همان نرخ تورم رشد می کنند و این علاوه بر دریافت پول جدید از ناحیه تورم و گویای آن است که توزیع تابعی درآمد به زیاده گروهای مولد و به نفع گروهای نامولد تغییر می کند. این رخداد، هم با معیارهای عدالت خواهانه تاساد دارد و هم با مقتضیات رشد اقتصادی در تقابل است.

بنا بر توضیحات ارائه شده امید است که مسولان نهادهای پولی و مالی کشور به این امر پی ببرند که کاهش نرخ تورم و نقدینگی و کانالیزه کردن نقدینگی به بخش های تولیدی، تکیه بر پند و نصیحت و درخواست از مردم راه به جایی نخواهد برد و اولین اقدام و اصلاحات عمده باید از درون همین نهادها و در ساختار دولت صورت پذیرد. اولین قدم در راه کنترل تورم و نقدینگی، اعتقاد به کارهای کارشناسی و روش ها، علمی است. حتی اگر بپذیریم که وضعیت تورم و نقدینگی در کشور هشدار دهنده است، ولی چشمانمان را در مقابل واقعیت ببندیم و درصدد پشیمانی دلایل انبساط های پولی نباشیم، هدف کاهش نرخ تورم و نقدینگی هیچ گاه محقق نخواهد شد.

کوتاه سخن آنکه اولین قدم، قبول واقعیت و اعتقاد به کارهای کارشناسی و روش های علمی در برخورد با مشکلات به وجود آمده است. فقط باید پذیرفت که مردم علت انبساط ها، پولی و افزایش نرخ تورم در کشور نبوده اند که حالا بخواهند آن را کاهش دهند، بلکه بانک مرکزی و دولت، از طریق سیاست های پولی و مالی انبساطی مهمترین عوامل ایجاد تورم و نقدینگی هستند. به بیان روشن تر اگر دولت و بانک مرکزی در اندیشه کاهش تورم و نقدینگی در کشور هستند باید اصلاحات را از خود آغاز کنند، تا نیازی نباشد برای کاهش نرخ تورم و نقدینگی به دامن مردم متوسل شوند. ●

# روند اقتصادی

ماهنامه تحلیلی و مستند در اقتصاد ایران، منطقه و جهان



[www.economictrend.com](http://www.economictrend.com)

روند اقتصادی با گستره توزیع بین المللی پیام شمارا به تصمیم گیران و سیاست گزاران اقتصادی می‌رساند

منازمان آگهی ها  
شماره: ۲۲۰۱۲۵۵۰  
تحریریه: ۲۲۰۱۹۷۳۳  
تعمیر: ۲۲۰۱۹۷۳۵